

3. اوراق جعلی

معامله اوراق و اسکناس جعلی به دو صورت فرض می شود:

الف) به عنوان مبیع در معامله واقع می شود، یعنی خود این اوراق تقلبی به عنوان یک شیء به فروش می رسد [۱]. □
این معامله حرام و باطل است.

ب) ثمن معاملات واقع می شود:

یک- کسی که این اسکناس تقلبی را داده از جعلی بودن آن خبر داشته است:

در هنگام معامله قصد دادن ثمن با همان اسکناس را دارد □ معامله حرام و باطل است [۲].

ابتدائاً جنس را در مقابل کلتی ثمن می خرد، درحالی که متوجه وجود اسکناس تقلبی در جیبش نیست. بعد در مقام اداء متوجه اسکناس تقلبی شده و همان را به بایع تحویل می دهد □ معامله صحیح است [۳]، منتهی ذمه او همچنان به ثمن واقعی مشغول است.

بایع و مشتری جاهل به تقلبی بودن ثمن هستند □ معامله صحیح است و ذمه مشتری که این پول تقلبی را داده، مشغول است [۴] و به لحاظ تکلیفی هم قطعاً حرام نیست ؛ چون جاهل و معذورند. (مکاسب محرمة، ج ۹۸، ص ۳ و ۴ و ۶)

[۱]. در این صورت، معمولاً هم بایع و هم مشتری، از تقلبی و جعلی بودن این اوراق آگاه اند ؛ چراکه بایع، خود جاعل است و مشتری هم که به قیمت کمتری می خرد ؛ مثلاً یک میلیون از این اسکناس ها را به صد هزار تومان می خرد، می داند اینها تقلبی است.

[۲]. زیرا معامله بر شخص این ثمن تقلبی واقع شده است، نه بر ثمن فی الذمه که کلتی است.

[۳] زیرا مبیع در مقابل ثمن کلتی است نه شخص این ثمن. نظیر معامله نسبه ای که وقت پرداخت ثمن، از پول تقلبی دین را بپردازد که در این صورت، معامله صحیح است ؛ هرچند ذمه او بریء نمی شود ؛ چون با چیزی که مالیت ندارد یا احیاناً محرّم است، ادای دین کرده است.

[۴]. زیرا معمولاً معامله بر ثمن کلتی و فی الذمه واقع می شود ؛ یعنی در معاملات کمتر اتفاق می افتد که فروشنده ای بگوید: "این کتاب را می فروشم به آن اسکناسی که در دست توست"، بلکه در مقابل ثمن کلی می فروشد ؛ مثلاً به هزار تومان- که این کلتی است- و هنگام اخراج و دفع ثمن، آن کلتی بر مصداق خارجی و شخصی تطبیق پیدا می کند.